



دی‌دگاه

شماره: ۵۱۹	موضوع: ضرورت ادغام شورای رقابت در سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان و پرهیز از موازی کاری
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۱۳	
تهیه و تنظیم: علی دینی ترکمانی	
توضیح اجمالی:	
<p>یکی از علل اصلی ناکارایی سازمانی در اقتصاد ایران وضعی است که این قلم آن را "تو در تویی نهادی" می نامد. تو در تویی نهادی موجب بروز چند مشکل جدی در اقتصاد ایران شده است؛ از این جمله می توان به موازی کاری شدید، نبود مسولیت پذیری و پاسخگویی، بی ثباتی شدید ساختار اداری و سازمانی، افزایش تنش های سازمانی و شکست در هماهنگ سازی سیاستی اشاره کرد. با چنین شرایطی نه تنها فرآیند راه اندازی کسب و کار بسیار طولانی و پرهزینه می شود، اساساً امکان برنامه ریزی اقتصادی نیز منتفی می شود. تاسیس شورای رقابت در کنار سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان یکی از مصادیق برجسته تودر تویی نهادی و موازی کاری است که موجب نامناسب تر شدن فضای کسب و کار و افزایش هزینه های معاملاتی شده است.</p>	
نکات کلیدی:	
<p>۱. اگر هدف اصلی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان تامین فضای رقابتی در اقتصاد است به نحوی که نه مصرف کننده متضرر شود و نه تولید کننده، در اینصورت تاسیس نهاد جدیدی به نام شورای رقابت از ابتدا نادرست بوده است. چنین اقدامی علاوه بر افزایش تشکیلات سازمانی دولت ولو به میزانی کم، موجب افزایش هزینه های معاملاتی شده است. اگر پیش از تاسیس این نهاد، قیمت گذاری بنگاه های مورد نظر از طریق هماهنگی با سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان صورت می گرفت، در شرایط جدید باید با شورای رقابت نیز هماهنگی های لازم صورت بگیرد که به معنای طولانی شدن روند بوروکراسی است.</p>	
<p>۲. استدلال می شود هدف از تاسیس شورای رقابت رسیدگی به اموری چون قیمت گذاری بنگاه های بزرگ مقیاسی است که توانایی به انحصار در آوردن بازار و قیمت گذاری انحصاری را دارند. این استدلالی موجه برای تاسیس نهادی موازی نیست. به فرض ضرورت چنین اقدامی باید سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان باز مهندسی شود تا به موضوعاتی از این دست نیز بپردازد. به بیانی دیگر، می توان دفتری در این سازمان با عنوان "حمایت از منافع مصرف کنندگان محصولات بنگاه های بزرگ مقیاس" تاسیس کرد که وظیفه اصلی آن پرداختن به وظایفی باشد که شورای رقابت آن را دنبال می کند.</p>	
<p>همینطور استدلال می شود شورای رقابت دولتی نیست ولی سازمان حمایت و انحصارات دولتی هستند؛ بنابراین، احتمال تبانی میان این دو وجود دارد. این استدلالی موجه نیست. وظیفه سازمان بازرسی کل کشور به عنوان نهادی وابسته به قوه قضائیه رسیدگی به اموری مانند فساد و تبانی است. علاوه بر این، اگر سازمان حمایت از مصرف کنندگان به عنوان نهاد دولتی دار ای قدرت اجرایی قویتر توانایی برخورد با انحصارات را نداشته باشد از شورای رقابت که به لحاظ اجرایی در موقعیت پائین تری قرار دارد چگونه می توان انتظار برخورد با انحصارات پر قدرت را داشت؟</p>	
<p>استدلال دیگر این است که سازمان حمایت قاضی ندارد و نمی تواند حکم قضایی صادر کند ولی شورای رقابت دارد و می تواند حکم قضایی صادر کند. این نیز به دلیل مذکور یعنی وجود سازمان بازرسی کل کشور استدلالی موجه نیست. علاوه بر این، باز به دلیل مذکور اگر سازمان ح مایت به همراه سازمان بازرسی کل کشور توانایی برخورد با انحصارات را نداشته باشند، در اینصورت انتظار برخورد با انحصارات با استناد به چنین استدلالی توهمی بیش نیست. تنش های پیش آمده میان شورا و بنگاه های خوروسازی بر سر قیمت گذاری خودرو تاییدی است بر قدرت اثرگذاری اجرایی ضعیف شورا به رغم برخورداری از سازوکار قانونی مذکور.</p>	
<p>۳. در عرصه اندیشه ورزی، رعایت اصل جامع و مانع بودن در تعریف پدیده ها و همینطور رعایت اصل نظریه سازی با حداقل اصول موضوعه از این رو حایز اهمیت است که مانع از ناسازگاری و ناهماهنگی می شود. برای مثال، در هندسه اقلیدسی چند اصل موضوعه بیشتر وجود ندارد. اضافه کردن اصلی جدید موجب متناقض شدن نتایج می شود. در عرصه نهادسازی نیز باید به گونه ای نهادها را مهندسی کرد که موجب شکل گیری تنش و تضاد سازمانی و "شکست در هماهنگ سازی سیاستی" نشود. تاسیس شورای رقابت نه تنها تنش میان بنگاه های با شورای رقابت را افزایش داده، بلکه موجب ناهماهنگی میان این شورا و سازمان حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تولید کنندگان نیز شده است. به این اعتبار یا باید شورای رقابت در سازمان حمایت از مصرف کنندگان ادغام و یا سازمان حمایت در شورای رقابت ادغام شود. از آنجا که سازمان حمایت دارای سابقه طولانی تری است و تشکیلات سازمانی قویتری دارد بهتر است شورای رقابت در این سازمان ادغام و ساختار قانونی و تشکیلاتی سازمان حمایت بازتعریف شود تا امکان پرداختن به وظایف کارکردی شورای رقابت در این سازمان وجود داشته باشد.</p>	
تأیید رئیس موسسه:	تأیید رئیس گروه مشاوران: